

نوروز در باورها و آیین‌های مردم قوچان

اکرم نویدی



صبا به تهنیت به سر می فروش آمد
که موسم طرب و عیش و ناز و نوش آمد
هوا مسیح نفس گشت و باد نافه‌گشای
درخت سبز شد و مرغ در خروش آمد
چنان بر فروخت باد بهار
که غنچه غرق عرق گشت و گل به جوش آمد
ز مرغ صبح ندانم که سوسن آزاد
چه گوش کرد که باده زبان خموش آمد
ز خانقاه به میخانه می‌رود حافظ
مگر زمستی زهد و ریا به هوش آمد

دو هفته که از نوروز بگذرد به آنجا می‌روند و سنگ را برمی‌دارند. اگر در زیر آن گیاهی سر از خاک درآورد یا حشره‌ای در آنجا باشد، آن را به فال نیک می‌گیرند و بر این باورند سال پر خیر و خوشی و فراوانی در پیش خواهند داشت.

یک هفته مانده به عید برای نوعروس خانواده عیدی می‌برند که علاوه بر لباس، قند، برنج، روغن و یک کیسه حنا در سینی بزرگ (خوانچه) می‌گذارند و روی

مردم قوچان مانند بسیاری از هم‌وطنان عزیز چند روز مانده به سال نو شروع به خانه‌تکانی و تمیز کردن خانه و محله می‌کنند.

بعضی از مردم دیدن حشره خرخاکی را در زیر فرش نشانه‌ای از رسیدن خیر و برکت می‌دانند و به این حشره بی‌آزار کاری ندارند. بعضی‌ها در هفده روز مانده به عید برای گردش و زدن فال به دشت و صحرا می‌روند و سنگی را در محلی روی زمین قرار می‌دهند. بعد از یکی

آن را با شال قرمز یا سفید می‌پوشانند و با شادی به خانه عروس خانم می‌برند.

چهارشنبه‌سوری

در این روز آش محلی مخصوصی می‌پزند به نام «آش هفت‌رنگ» که در آن از هفت چیز استفاده می‌شود، مثل: نخود، لوبیا، عدس، سبزی و....

بانوی خانه بعد از پختن آش مهره‌ای در آن می‌اندازد و سهم هر کس را در بشقاب یا کاسه می‌کشد. مهره در ظرف هر کس باشد آن شخص نماد برکت و نشانه رحمت برای خانواده محسوب می‌شود.

تفال با مهره

در بعضی از روستاهای شمال خراسان بعد از پختن آش هفت‌رنگ، اقوام جمع می‌شوند و بعد از پذیرایی و شادی برای سرگرمی و تفریح فال می‌گیرند. هر کس یک مهره یا نشانه‌ای در یک قوری چدنی (که در قدیم از آن برای تهیه چای استفاده می‌شد) می‌اندازد. بزرگ خانواده یا یک نفر (که اشعار زیادی از حفظ دارد) از دوبیتی‌ها یا غزلیات لسان‌الغیب حافظ شیرازی ابیاتی را می‌خواند. بعد از پایان هر بیت کودک دست در کتری چدنی می‌برد و یک مهره را بیرون می‌آورد و هر کس بنا به نیتی که دارد با استنباط از شعر خوانده شده فال خود را دریافت می‌کند.

در زمانی که سمنو نذری می‌پزند این نوع تفال هم صورت می‌گیرد. مردم به سمنو و مراسم پختن آن احترام زیادی قائلند و سمنوپزان با خلوص نیت و با توسل به حضرت فاطمه (سلام‌الله علیها) برپا می‌شود که بخشی از آن زینت‌بخش و برکت سفره عید است.

فال گوش

این فال در مناطق دیگر ایران هم به نام‌های مختلف وجود دارد. هر کس که مایل باشد نیت می‌کند و بدون این که با کسی سخنی بگوید به پشت در خانه یا پنجره‌ای می‌رود و اولین کلمه و جمله‌ای را که می‌شنود مبنای فال خود قرار می‌دهد و از روی آن به تعبیر نیت خود می‌پردازد.

ملاقه‌زنی

این رسم به نام «مرغانه مرغانه» یا «ملاقه ملاقه» هم خوانده می‌شود. بچه‌های هر محله پارچه یا چادری به سر می‌اندازند و به در خانه اقوام و همسایه‌ها می‌روند و با ملاقه‌ای که در دست دارند به در خانه می‌زنند و دسته‌جمعی می‌خوانند:

مرغنه مرغنه (morqana morqana)

مرغنه پشت خنه (morqana pošte xana)

... قرآن مخنه (... qorān mexana)

ملقه ملقه (malaqa malaqa)

آقام پشت خنه (āqām pošte xana)

قرآن مخنه (qorān mexana)

صاحب‌خانه با شنیدن آواز بچه‌ها در را باز می‌کند و در ملاقه آنها آجیل، نقل یا نخودچی و کشمش می‌ریزد.

این بازی در بعضی از روستاهای قوچان و در شمال خراسان به خلته‌گردی (xalata gardy) («کیسه‌اندازی») یا «کیسه گرداندن» معروف است که در گذشته با آیین تمام و سر و صدای زیاد انجام می‌شد. البته اکنون

۱. نام پسر خانواده را می‌برند.

هم در بعضی مناطق توسط بچه‌ها اجرا می‌شود که به جای ملاقه از کیسه‌ای استفاده می‌کنند که به سر آن طناب بلند و نازکی بسته‌اند.

کیسه را از پنجره، در یا پشت‌بام به خانه همسایه‌ها و اقوام می‌اندازند و صاحب‌خانه با دیدن کیسه خوشحال می‌شود و مقداری شیرینی یا آجیل در کیسه آنها می‌ریزد و آن را تکان می‌دهد تا کیسه‌انداز آن را بالا بکشد.

جوانی که در دوران نامزدی به سر می‌برد هم همراه چند نفر از دوستانش مراسم خلته‌گردی را در خانه پدرزن آینده‌اش انجام می‌دهد تا هدایای خود را از خانواده نامزدش دریافت کند.

البته در بعضی از روستاها جوانی که خواهان دختری از خانواده‌ای باشد، به رسم «خلته‌گردی» در چهارشنبه آخر سال به خانه مورد نظر می‌رود، اگر خانواده دختر به این وصلت راضی باشد هدیه‌ای در کیسه‌اش می‌گذارد. به این ترتیب پسر مطمئن می‌شود بعد از آن مراسم خواستگاری رسمی توسط والدین او آغاز شود.

آتش‌بازی

سه بار از روی آتش مخصوص چهارشنبه‌سوری می‌پرند و می‌گویند:

«چله چومه دادو» (کرمانجی)

(čala čuma dâdu)

برگردان: چله کوچک رفت و ما دنبالش کردیم.

«چله چوخدی بهار گلده»

(čala čuxdy bahâr galde)

برگردان: چله می‌رود و بهار می‌آید.

در بعضی از روستاها جوانی که خواهان دختری از خانواده‌ای باشد، به رسم «خلته‌گردی» در چهارشنبه آخر سال به خانه مورد نظر می‌رود، اگر خانواده دختر به این وصلت راضی باشد هدیه‌ای در کیسه‌اش می‌گذارد.

«دنه دنه نار گلده» (ترکی)

(dana dana nâr galde)

برگردان: دانه دانه انار می‌آید.

زردی من از تو

سرخی تو از من (فارسی)

چون در منطقه خراسان شمالی و اطراف قوچان به جز کردهای شمال خراسان (کرمانج)، آذری‌زبان‌ها هم زندگی می‌کنند و بعضی‌ها به سه زبان سخن می‌گویند، ممکن است در مراسم چهارشنبه‌سوری هر سه این شعرگونه‌ها خوانده شود.

بعد از مراسم آتش‌بازی (از روی آتش پریدن) که معمولاً در حیاط خانه انجام می‌شود و یک نفر خاکستر آتش را جمع می‌کند و آن را به بیرون از خانه منتقل می‌کند، وقتی به خانه برمی‌گردد و در می‌زند از داخل خانه با صدای بلند از او سؤال می‌کنند و او جواب می‌دهد:

- از کجا می‌آیی؟

- از عروسی

- چه آوردی؟

- تندرستی

کوزه شکستن

مقداری از برنج این شب را کنار می گذارند و در برنج (پلو) شب عید نوروز می ریزند تا برکت سال قبل هم به آن اضافه شود.

بعضی ها یک عدد کوزه پر از آب را از پشت بام به طرف زمین پرتاب می کنند و بر این باورند که درد و بلا و چیزهای ناپسند و کهنه را دوست ندارند و به این صورت آنها را دور می اندازند.

سبزه عید (سبزنا)

سبزه سر سفره هفت سین را دو هفته مانده به عید با گندم، عدس، نخود، خاکشیر و اسپند درست می کنند. بعد از سبزشدن دور آن پارچه ای با رنگ زیبا می بندند و روی آن یک تخم مرغ رنگ شده یا یک سیب قرمز می گذارند و آن را در وسط سفره هفت سین قرار می دهند. روز سیزده نوروز که از خانه و آبادی به دشت و صحرا می روند، سبزه را هم با خود می برند و موقع برگشتن آن را در همانجا می گذارند.

فال با قاشق

یک قاشق را به پشت بام پرتاب می کنند و به آنجا می روند تا به نحوه قرار گرفتن قاشق نگاه کنند. اگر قاشق درست قرار گرفته باشد (یعنی روی آن به طرف بالا باشد) آن را به فال نیک می گیرند.

عرفه

قوچانی ها دو روز مانده به شب اول را روز عرفه یا روز اموات می نامند. شیر برنج درست می کنند و برای درگذشتگان خیر می کنند و شب بعد «عرفه زنده ها» نام دارد که یک شب مانده به شب اول سال نو است. خیر کردن شیربرنج معمولاً در این سه شب صورت می گیرد.

سال تحویل

در بین کردهای شمال خراسان رسم است در موقع رسیدن سال نو در هر گوشه اتاق شمعی روشن کنند که نوعی طلب آمرزش برای اموات محسوب می شود (به ویژه برای کسانی که در آن سال از دنیا رفته اند). بعضی ها بر این باورند که ارواح در موقع تحویل سال جدید آزادند و ممکن است به اقوام خود سر بزنند.

شب آخر سال

باز گذاشتن در و پنجره های خانه هم نوعی بیرون کردن سال کهنه و درخواست ورود سال جدید محسوب می شود و رسم روشن کردن سماور و جوشیدن آن هم نمادی از جوشش و تحرک محسوب می شود. بانوی خانه در موقع جابه جاشدن سال کهنه و سال نو مشغول پختن آش می شود که مایه آن را قبلاً آماده کرده و همین طور عده ای خمیر نان را می گذارند تا با

یک شب مانده به شب سال نو پلو ماهی یا کوکو سبزی با پلو می خورند. می گویند در گذشته عده ای در این شب نام «کوکو» را به زبان نمی آوردند و به جای آن از «هست هست» استفاده می کردند و می گفتند: بردن نام کو کو ممکن است موجب سرگردانی بشود، ولی اکنون از این باور در مقام شوخی و طنز یاد می شود. یکی از سنت های خاص شب آخر سال این است که



تحويل سال ور آيد كه نوعى طلب برکت و رزق و روزى فراوان از خداوند است.

سفره عید

در سفره هفت سین عید این چیزها را در کنار قرآن کریم و جلوی آینه با نظم و ترتیب و سلیقه خاص می‌چینند: سیب، سبزه، سیر، سیاهدانه، سکه، سنجد و تنگ بلور آب که در آن ماهی قرمز در گردش است. همچنین ظرفی از دانه‌های گندم و کاسه‌ای پر از آب که در آن یک

در لحظه تحويل سال بزرگ خانواده مشغول تلاوت قرآن و خواندن دعاست تا به این وسیله و به حرمت کلام خدا در سال جدید همه اعضای خانواده او موفق و مورد لطف خداوند باشند.

اما برای خوردن و نوشیدن بعضی چیزها در لحظه تحويل سال باورهایی وجود دارد:

– اگر در موقع تحويل سال نو شیر بنوشند، پوست بدن آنها سالم و شفاف می‌ماند.

– اگر سنجد بخورند، گزند و آسیبی نمی‌بینند.

– اگر سمنو میل کنند، بیمار نمی‌شوند.

– اگر آب بنوشند و به آینه بنگرند، دلشان پر مهر و محبت و روشن می‌شود.

– اگر دل و جگر گوسفند میل کنند، ثروت و مکننت نصیبشان می‌شود.

در باورهای کهن آمده که سال کهنه و سال نو در موقع جابه‌جایی به صورت دو پری می‌شوند. سال کهنه وقتی می‌خواهد از در و پنجره بیرون برود به خانه نظر

تخم‌مرغ یا نارنج می‌اندازند. باورهای خیلی قدیم و سؤال‌برانگیزی هم رایج است که در لحظه تحويل سال جدید تخم‌مرغ یا نارنج شناور در آب تکان می‌خورد. سبزه را نشانه خوشی و خرمی و ماهی قرمز را هم نمادی از درخواست رزق و روزی حلال از روزی‌رسان بی‌منت می‌دانند.

شگون سال

چند لحظه قبل از رسیدن سال جدید در یک سینی: آینه، قرآن، سبزه و ظرفی آب و شیرینی می‌گذارند و یک نفر از افراد خانواده که به خوش قدمی و سبک‌پایی مشهور باشد آن را بیرون از خانه می‌برد و به محض تحويل سال با سلام و صلوات پا درون خانه می‌گذارد. همه به استقبالش می‌روند کمی از آب و شیرینی داخل سینی میل می‌کنند و سعی می‌شود در لحظه تحويل سال هم به قرآن، آینه یا سبزی نظر داشته باشند تا دلشان صاف و پر از شادی و محبت باشد.

راویان:

زیبا شاکری، نارنج برزگر (مادربزرگ گردآورنده این سطور) و آقای رسولی و استفاده موردی از کتاب **اترکنامه** رضانعلی شاکری.

می‌کند وقتی همه‌جا مرتب و تمیز باشد برای بانوی خانه دعا می‌کند که او را در پیش همکارش (سال نو) سرفراز کرده است.

در گذشته که کشاورزی با وسایل سنتی انجام می‌شد در شب آخر سال برای گاو (ورزا) که مخصوص شخم‌زدن زمین بود، موزی (نواله) با برنج درست می‌کردند و به عنوان عیدی برای قدرشناسی از زحمات و سختی‌هایی که برایشان کشیده به گاو می‌دادند.

صبح عید یک نفر از خانواده به امامزاده یا مسجد آبادی می‌رود و بعد از دعا و نماز، با قرآن، نان یا سبزی به امید خوشی و سلامت و با دلی پر از یاد خدا و توکل به یگانه بی‌همتا به خانه وارد می‌شود.

سیزده نوروز

عیددیدنی‌ها و دید و بازدیدها تا سیزده فروردین ادامه دارد.

مردم می‌گویند زمانی روز سیزده فروردین خوش‌یمن و مبارک می‌شود که همه از خانه خارج شوند و به دشت و صحرا و دل طبیعت بروند، به جاهایی مثل: امام مرشد، چمن لیلی و آقا امام در ده سیاهدشت.

هنرمندان محلی در روز سیزده با ساز و دهل نوای کشتی را می‌نوازند. کشتی‌گیران محلی برای نشان‌دادن زور و مهارت خود کشتی با چوچه می‌گیرند که خاص منطقه شمال خراسان است که مسابقه کشتی در هر منطقه شور و نشاط ویژه‌ای در مردم ایجاد می‌کند.

